

(۱۲۳) ترجمه: به ابی عبید گفته شد که با وجود علم فراوان و فهم نکویت چرا شعر نمی‌گویی؟ گفت: چون آنچه مرا اجابت می‌کند خرسندم نمی‌کند و آنچه که از آن خرسند می‌گردد مرا اجابت نمی‌کند.

همچنین جز خاقانی برخی دیگر از نویسندگان فارسی نیز به مضمون مذکور اشاره کرده‌اند، برای نمونه افضل‌الدین کرمانی (۶۵۲م) نوشته است: «با این قُصور حالت و فتور آلت آنچه من خواهم خاطر مسامحت نکند و آنچه او دهد من ارتضاء نکنم.» (کرمانی، ۱۳۵۶: ۶۳).

### فهرست منابع

- راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلاغ، مصحح: عمر فاروق طباع، بیروت: دار الأرقم بن ابی الأرقم، الطبعة الأولى، م/ ۱۹۹۹ ق ۱۴۲۰.
- ابن عبدربه الأندلسی، العقد الفرید، مصحح: مفید محمد قمیحه، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴ ق.
- جاحظ، عمرو، البیان و التبیان، مصحح: علی أبوالمحم، ج ۳، الطبعة الأولى، بیروت: دار و مکتبة الهلال، ۲۰۰۲.
- خاقانی شروانی، دیوان اشعار، مصحح: ضیاء‌الدین سجادی، چاپ هشتم، تهران: زوار، ۱۳۸۵.
- زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الأبرار و نصوص الأخیار، تحقیق: عبدالامیر مهنا، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶.
- کرمانی، افضل‌الدین، عقد العلی للموقف الأعلی، مصحح: علی محمد عامری نائینی، چاپ دوم، تهران: روزبهان، ۱۳۵۶.

## بررسی پیشینه یک مضمون

### سهیل یاری گل‌دره

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

soheil.yari6@gmail.com

آنچه بایست ندادند به من و آنچه دادند نبایست مرا

(خاقانی، ۱۳۸۵: ۸۱۴)

آنچه سبب نوشتن این یادداشت مختصر شد بیان پیشینه مضمون بیت مذکور است. پیشتر از خاقانی نکته‌نغز موجود در بیت بالا را ادیبان عرب بازگو کرده‌اند، و به احتمال فراوان اگر از مقوله «توارد» نباشد، خاقانی دستمایه خود را از گفته‌های ادبای متقدم بر خود گرفته است. اینک همان مضمون در کلام ادبای عرب:

- جاحظ (۲۵۵م) از قول ابن‌المقفع (۱۴۲م) درباره شعر و بلاغت چنین نقل می‌کند: «الذی أَرْضَاهُ لَا يُجِيبُنِي، وَ الَّذِي يُجِيبُنِي لَا أَرْضَاهُ» (جاحظ، ۲۰۰۲: ۱/ ۱۸۳؛ همچنین: زمخشری، ۱۴۱۲: ۲۰۸/۵) ترجمه: چیزی که از آن خرسند شوم به دستم نمی‌آید و آنچه به دستم می‌آید از آن ناخرسندم.

- ابن‌عبدربه (۳۲۸م) از قول خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵م) چنین آورده است:

«قِيلَ لِلخَلِيلِ: مَا لَكَ لَا تَقُولُ الشَّعْرَ؟ قَالَ: «الَّذِي أُرِيدُهُ لَا أَجِدُهُ، وَ الَّذِي أَجِدُهُ لَا أُرِيدُهُ» (ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴: ۶/ ۱۵۹) ترجمه: به خلیل [بن احمد] گفته شد که چرا شعر نمی‌گویی؟، گفت: آنچه را که می‌خواهم نمی‌یابم، و آنچه را [هم] که می‌یابم نمی‌خواهم.

- همچنین درباره ابی‌عبیده مَعْمَر بن مُثَنَّى (۲۰۸ یا ۲۰۹م) چنین نقل کرده‌اند: «قِيلَ لِأَبِي عَبِيدَةَ: لِمَ لَا تَقُولُ الشَّعْرَ مَعَ غَزَاؤِهِ عِلْمِكَ وَ جُودِهِ فَهَمَّكَ؟» فقال: «لَأَنَّ الَّذِي يُجِيبُنِي لَا أَرْضِيهِ، وَ مَا أَرْضِيهِ لَا يُجِيبُنِي» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ج ۱/ ۱۲۴ -

